

## بررسی انتساب مسئولیت زیست محیطی شرکت‌های چندملیتی فرعی به شرکت اصلی در دعاوی خصوصی

سمیه رحمانیان\*

محمدحسین رضانی قوام آبادی\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۱۰

### چکیده

امروزه، شاهد خسارات زیست محیطی بسیاری ناشی از فعالیت صنعتی شرکت‌های چندملیتی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه هستیم. جبران این خسارات وارده به اشخاص به‌موجب مبانی مسئولیت بین‌المللی، ضروری است. اما پرسش اصلی که در این مقاله، قصد داریم به آن پاسخ دهیم، این است که آیا می‌توان شرکت چندملیتی مادر را به دلیل نقض معیارهای زیست محیطی ناشی از فعالیت‌های شرکت‌های فرعی، مسئول دانست؟ نظر به اینکه تاکنون شاهد وجود معاهده یا سند بین‌المللی الزام‌آوری در خصوص نظام مسئولیت این شرکت‌ها نبوده‌ایم، سابقه قضایی دعاوی خصوصی مسئولیت مستقیم خارجی در دادگاه‌های داخلی کشورهای توسعه‌یافته همچون انگلیس و ایالات متحده آمریکا در ارتباط با مسئولیت شرکت مادر، همچنین مبانی انتساب مسئولیت شرکت‌های فرعی به شرکت مادر، در قالب نظریات مسئولیت اولیه، مسئولیت ثانویه، مسئولیت نیابتی و مسئولیت سازمانی، به‌عنوان راه‌گشایی در این زمینه، مورد توجه قرار گرفته است.

### کلید واژگان

شرکت چندملیتی، مسئولیت، محیط زیست، جبران خسارت، اقامه دعوی.

---

\* دانشجوی دوره‌ی دکتری تخصصی حقوق بین‌الملل عمومی، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Srahmanian\_lawyer@yahoo.com

\*\* دانشیار دانشگاه شهید بهشتی و عضو هیات علمی مدعو گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

ramezanighavam@yahoo.com

## مقدمه

در حالی که بخشی از تجارت بین‌المللی، مربوط به ورود کالاهای خارجی است، سرمایه‌گذاری بین‌المللی بر حضور فیزیکی سرمایه‌گذاران خارجی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه تأکید می‌کند. در این میان شرکت‌های چندملیتی<sup>۱</sup> (MNEs) به سرمایه‌گذاری در سرزمین‌هایی تمایل دارند که دارای قواعد و مقررات زیست‌محیطی ساده‌تری هستند زیرا، قوانین ساده‌تر، به کاهش هزینه‌های اقتصادی این سرمایه‌گذاران منجر خواهد شد. ارتباط میان حقوق سرمایه‌گذاری و حقوق محیط زیست، به‌گونه‌ای است که در آن هر دو دارای اهداف متعارض، اما در عمل متقارن هستند. هدف سرمایه‌گذاری، منفعت اقتصادی شخصی است درحالی‌که هدف حقوق محیط زیست، منافع جمعی بشری است و در عین حال، قلمرو اجرایی هر دو رشته، به یک حوزه مرتبط است.<sup>۲</sup> لازم است یادآوری شود در این تحقیق، مسئولیت در مفهوم کلی آن به کار رفته است زیرا، حوزه‌های مختلفی از مسئولیت در مورد شرکت‌ها وجود دارد از جمله می‌توان به مسئولیت‌های عمومی و بخش خصوصی، مسئولیت‌های قراردادی و غیر قراردادی، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، مسئولیت برون مرزی و درون مرزی شرکت‌ها، مسئولیت‌های حقوق بشری و زیست‌محیطی شرکت‌ها، مسئولیت‌های مربوط به حوزه کار و کارگر اشاره کرد.

از طرفی مبحث ما درباره طرح دعاوی مسئولیت علیه شرکت چندملیتی اصلی، ناشی از نقض معیارهای زیست‌محیطی توسط شرکت‌های تابعه است. نظر به اینکه شرکت‌های چندملیتی دارای ساختار پراکنده‌ای در جهان هستند به نحوی که یک شرکت چندملیتی معمولاً دارای شعب فرعی در کشورهای جهان سوم است و شرکت مادر، در کشوری توسعه یافته قرار دارد، این ویژگی، کار شاکیان خصوصی را مشکل می‌سازد. زیرا، مقررات مسئولیت شرکت‌های فرعی در کشورهای در حال توسعه با شرکت‌هایی که در کشورهای توسعه یافته فعالیت می‌کنند، متفاوت است. منشأ ادعای این شاکیان، ممکن است قراردادی، غیرقراردادی، شبه جرم یا نقض تعهدات

۱. Multinational Enterprises (MNE).

۲. عسگری، پوریا؛ حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در رویه داوری بین‌المللی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۴، ص ۲۵.

بین‌المللی از سوی شرکت باشد<sup>۱</sup>. پرسش اصلی که در این تحقیق تلاش می‌کنیم به آن پاسخ دهیم، آن است که آیا مسئولیت شرکت‌های فرعی، قابل انتساب به شرکت مادر است؟ آیا می‌توان اقامه دعوی جبران خسارت وارده ناشی از نقض معیارهای زیست‌محیطی توسط شرکت فرعی را علیه شرکت مادر طرح کرد؟

در خور ذکر است هرچند در زمینه مسئولیت شرکت‌های چندملیتی و همچنین دولت‌ها، تحقیقاتی انجام شده است اما تاکنون موضوع انتساب مسئولیت به شرکت مادر ناشی از نقض حقوق محیط زیست، توسط شرکت‌های فرعی مورد بررسی و تحقیق قرار نگرفته است. هرچند به لحاظ ماهوی، در گذشته، موارد متعددی اقامه دعوی علیه شرکت چندملیتی مادر صورت گرفته است از جمله در پرونده‌های شرکت بوپال هند<sup>۲</sup>، شرکت شل و ... اما هیچ‌یک از این پرونده‌ها به نتیجه مطلوب نرسیده و در بیشتر موارد مشکل از طریق دادگاه حل نشده است؛ به همین دلیل در این پژوهش، به‌عنوان راه کار، نظریه‌های مختلفی به‌عنوان مبانی مسئولیت شرکت مادر ارائه شده است. از جمله: مسئولیت نیابتی، مسئولیت ثانویه، مسئولیت اولیه و مسئولیت سازمانی، تا از این طریق، مبانی حقوقی بین‌المللی، در زمینه انتساب مسئولیت به شرکت مادر، روشن شود<sup>۳</sup>.

### طرح موضوع

قوانینی که دادگاه‌های داخلی آن را اجرا می‌کنند، تا چه حد می‌تواند زمینه جبران خسارت‌هایی را که شرکت‌های چندملیتی به دلیل رعایت نکردن مسائل بهداشتی، امنیتی و همچنین پایبند نبودن به معیارها و اصول زیست‌محیطی به بار آورده‌اند، فراهم کند؟ با مرور پرونده‌هایی مثل بوپال و لوب علیه کیپ<sup>۴</sup> می‌توان دریافت که شرکت‌های چندملیتی می‌توانند فعالیت‌های مخاطره‌آمیز خود را به راحتی به کشورهای کمتر توسعه‌یافته منتقل کنند. با توجه به فقدان تشکیلات اجرایی در سطح بین‌المللی، جای تعجب نیست که شاکیان همچنان به منظور تعقیب شرکت‌های چندملیتی، به دنبال ادعاهای خصوصی مطابق قوانین داخلی باشند.

۱. همان، ص ۳۲.

۲. Bhopal Corporation.

۳. آرش پور، علی‌رضا؛ **مسئولیت بین‌المللی نقض تعهدات زیست‌محیطی**، تهران، انتشارات جاودانه، ۱۳۹۲، ص ۷۸.

۴. Lubbe V. Cape PLC/www.swarb.com.co.uk/lubbe and others. V cape PLC/۲۰۱۶.

در یک‌دهه گذشته و شاید بیشتر، دعاوی مسئولیت مستقیم خارجی (FDL)<sup>۱</sup> افزایش بی‌شماری داشته است. این نوع دعاوی در دادگاه‌های دولت مبدأ مطرح می‌شوند و نه تنها شرکت تابعه بلکه شرکت مادر را نیز به دلیل سازماندهی آشکار نقض معیارهای زیست محیطی مورد هدف قرار می‌دهند.<sup>۲</sup>

در این مقاله، به منظور دریافت بیشتر چگونگی توزیع مسئولیت‌های زیست محیطی بین شرکت مادر و شرکت‌های وابسته، سابقه قضایی دعاوی مسئولیت مستقیم خارجی در برخی کشورهای توسعه‌یافته بررسی و تحلیل شده است؛ موضوعی که گاه مستلزم بررسی قوانین ماهوی مربوط به مسئولیت شرکت مادر نیز می‌باشد.

به بیان دیگر، نگارنده با در نظر گرفتن اصول زیست محیطی متعددی که در حقوق بین‌الملل محیط زیست وجود دارند و قابل تسری به شرکت‌های چندملیتی هستند (همچون اصول یکپارچه‌سازی، مراقبت کافی، پیشگیری، احتیاط، ارائه اطلاعات زیست محیطی، مشورت و از طرفی استفاده پایدار از منابع طبیعی)، و از طرفی در حال تبدیل به تعهدات زیست محیطی شرکت‌ها هستند، به دنبال بررسی انتساب مسئولیت ناشی از نقض این اصول توسط شرکت‌های تابعه به شرکت مادر است و مقصود در اینجا، بررسی ماهوی تعهدات و اصول مذکور نمی‌باشد.

### مبحث اول: دعاوی مبتنی بر مسئولیت مدنی

قوانین و اصول و مبانی مربوط به مسئولیت مدنی، به‌طور بالقوه اجازه می‌دهد که معیارهای مسئولیت زیست محیطی شرکت‌ها به‌طور خصوصی توسط افراد ذی‌نفع و از طریق دعاوی مربوط به سهل‌انگاری و سایر اسباب مرتبط با مسئولیت مدنی، اجرا شود. از این‌رو، کارکنان متضرر از نتیجه اعمال معیارهای غیراصولی محل کار، خانواده‌هایی که درآمد خود را در پی صدمات زیست محیطی از دست داده‌اند و یا مصرف‌کنندگانی که در نتیجه نقض معیارهای ایمنی و سلامت محصول، صدمه دیده یا بیمار شده‌اند، باید حق اقامه دعوی را علیه طرفی که مسئول خسارت است، داشته باشند.

۱. FDL; Foreign Direct Liability.

۲. Zerk, Jenifer, Limitations and Opportunities in International Law, Cambridge University Press, ۲۰۰۶. ۲۰۱.

لذا در بسیاری از پرونده‌ها خواهان‌ها در اقدامات جمعی گسترده‌ای علیه شرکت‌های چندملیتی، علاوه بر شرکت‌های تابعه فعال، شرکت مادر را نیز مسئول و قابل تعقیب می‌دانند و دلایل آنها برای اقامه دعوی علیه شرکت مادر این است که نه تنها ممکن است شرکت مادر، دارایی بیشتری برای جبران خسارات داشته باشد بلکه اقامه دعوی علیه شرکت مادر، به‌طور بالقوه امکان دسترسی آنها را به دادگاه‌های دولت مبدأ همچون انگلیس و ایالات متحده آمریکا با کلیه امتیازات شکلی که ممکن است برای خواهان‌ها داشته باشد، فراهم می‌کند.<sup>۱</sup>

اما نباید غافل بود که در مورد اقامه دعوی و مسئول دانستن شرکت مادر، همچنان مشکلاتی وجود دارد: اول، مشکلات بی‌شمار مالی، فنی، پشتیبانی، دوم، رویه‌های متغیر و متفاوت در زمینه تعیین دادگاه صالح برای اقامه دعوی، سوم، تمایل به حل و فصل دعاوی در خارج از دادگاه به محض اینکه دعوی به یک مرحله بحرانی در دادرسی می‌رسد. اما به‌طور کلی می‌توان گفت در قوانین خاص و رویه ملی، برای مسئول دانستن شرکت مادر به دلیل خسارات زیست‌محیطی و امنیتی که شرکت‌های وابسته وارد کرده‌اند، مانعی وجود ندارد.

لازم است یادآوری شود بین مبانی مسئولیت میان دو نظام حقوقی یعنی حقوق عمومی و حقوق مدنی تفاوت وجود دارد؛ در حقوق عمومی، اصل، بر مسئولیت محض است و نیازی به اثبات تقصیر نیست. در حالی که بر اساس قواعد حقوق مدنی در بسیاری از کشورها، تقصیر و یا ترکیبی از هر دو مسئولیت پذیرفته شده و رویه قضایی در توجیه مسئولیت محض، با سختی مواجه است. در این تحقیق، صرف‌نظر از بررسی ماهیت مسئولیت محض، انتساب مسئولیت مدنی از شرکت فرعی به شرکت مادر چندملیتی، ناشی از نقض حق بنیادین بشر یعنی حق برخورداری از محیط زیست سالم و پاکیزه مد نظر است به نحوی که در مبحث دوم، در هر یک از نظریه‌های ارائه شده به‌عنوان مبانی مسئولیت، اثبات تقصیر یا آگاهی شرکت مادر و ... نیز مورد تأکید ویژه قرار گرفته است.

۱. شهبازی، آرامش؛ «خسارات وارد بر محیط زیست از منظر حقوق مسئولیت بین‌المللی؛ چالش‌های موجود»، مجله جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن بیست و یکم، انتشارات مرکز امور حقوقی بین‌المللی نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۸۹، ص ۶۲۳ - ۵۹۳.

در پرونده بوپال<sup>۱</sup>، خسارت‌دیدگان فاجعه بوپال در سال ۱۹۸۴ ادعایی مبنی بر سهل‌انگاری مطرح کردند که به موجب آن، دولت هند، مسئولیت را علیه شرکت وابسته با مسئولیت محدود کارباید<sup>۲</sup> (UCIL) و شرکت آمریکایی مادرش، شرکت متحد کارباید<sup>۳</sup> (UCC) مفروض می‌دانست. درحالی‌که سهل‌انگاری شرکت‌های وابسته هندی به‌عنوان اصلی‌ترین دلیل فاجعه، محرز بود، خواهان‌ها به دنبال این استدلال بودند که UCC نیز باید مسئول باشد. چندین نظریه در حمایت از این موضوع مطرح بود، اما شاید امیدوارکننده‌ترین استدلال‌های خواهان‌ها، وظیفه و نقش UCC در طراحی و ساخت کارخانه هندی و فقدان نظارت، بر ایمنی بعد از آن بود. اگر چه این استدلال‌ها به نفع دادگاه‌های هندی، بدواً در جهت منافع عمومی و در نهایت به دلیل عدم صلاحیت دادگاه رد شد.

دادگاه عالی هند در سال ۱۹۸۹ پیشنهاد ۴۷۰ میلیون دلاری UCC را پذیرفت، ۴۲۰ میلیون دلار از آن را UCC و ۵۰ میلیون دلار از آن را UCIL پرداخت کردند. با این حال دعوای بوپال خاتمه نیافت. کشمکش‌های حقوقی در دادگاه‌های هندی برای مدت زمانی پس از آن، ادامه پیدا کرد به نحوی که تعدادی از خسارت‌دیدگان فاجعه بوپال، مجدداً دعوای را علیه UCC و رئیس آن، بر اساس قانون دعوای مسئولیت مدنی اتباع بیگانه، مطرح کردند. تعدادی از مؤسسات خیریه که با خسارت‌دیدگان فاجعه ارتباط داشتند، از تأخیرهای جدی در توزیع و تقسیم خسارت‌های پرداختی، شکایت کردند.

سازمان عفو بین‌الملل، در گزارش خود مربوط به بیستمین سالگرد این فاجعه، متذکر می‌شود که هنوز ۳۳۷/۵ میلیون دلار معادل روپیه، در توقیف رزرو بانک هند است.<sup>۴</sup>

دادگاه‌های ایالات متحده که تمایل چندانی به پذیرفتن دعوای خارجی نداشته‌اند، همچنان در زمینه وضع قانون بین‌المللی مبتنی بر مسئولیت مدنی، در نقطه شروع هستند. در طول دو دهه

۱. Union Carbide Corp. V Union of India (Bhopal) Available in: UNEP/ UNDP/ Dutch Government joint Project on Environmental law in Africa, compendium of Judicial Decisions on Matters related to Environment, National Decisions, Volume I, P. ۲۲۷.

۲. Union Carbide India Limited Company (UCIL).

۳. Union Carbide Corporation (UCC).

۴. Amnesty International, "Cloude of Injustice" (Amnesty International publications, ۲۰۰۴) <http://www.amnesty.org/Library>, ۶۶/. Feb. ۲۰۱۴.

گذشته، حداقل ۴۷۵ دادخواهی جداگانه (شامل ۲۵ هزار خواهان) در دادگاه‌های ایالت متحده درباره یک موضوع مطرح شده‌اند: خسارات ناشی از استفاده از آفت‌های ممنوع در ایالات متحده توسط کارگران خارجی مزرعه موز. شرکت‌های ایالات متحده در این مجموعه خاص، تولیدکنندگان مواد شیمیایی و غذایی (مثل اکسیدنتال، شل و شرکت‌های غذایی مثل استاندارد فورت) بودند.<sup>۱</sup>

تاکنون بیشتر این پرونده‌ها خاتمه یافته‌اند. تعداد کمی از آنها نیز در خارج از دادگاه حل و فصل شدند. با این حال، گرایش قضات در دعاوی اخیر این بود که با دید انتقادی به بررسی این موضوع پردازند که آیا مرجع حل و فصل دیگری که مناسب و قابل دسترس برای این دعاوی باشد، وجود دارد یا خیر؟ و اینکه آیا به راه‌حل‌های دوستانه خواهان در بخشی از دادگاه‌ها، توجه شده است؟ در نمونه‌ای دیگر تعدادی دعاوی علیه بریتانیا طرح شده مبنی بر اینکه شرکت‌های «تولید مواد شیمیایی محدود» ایجاد شده است که به‌عنوان یک شرکت سازنده مواد شیمیایی جیوه‌ای محسوب می‌شود. ریچارد میرین یکی از وکلای خواهان‌ها مفهوم ادعا را به ترتیب ذیل توضیح داده است: وضعیت «بهداشت و امنیت در کارخانه مارگیت» طی یک دوره طولانی به دلیل بالا رفتن سطح جیوه در خون و ادرار کارکنان، تحت انتقاد شدیدی قرار گرفت. در حدود سال ۱۹۸۶ شرکت با خاتمه دادن به فرایند تولید جیوه در کارخانه مارگیت، کارخانه مزبور را به کاتوریج، ناتال و آمریکای جنوبی انتقال داد. در آن کارخانه نیز دقیقاً همان خط‌هایی که قبلاً در زمینه بهداشت و مسائل ایمنی شناسایی شده بود، تکرار شد. در نهایت در سال ۱۹۹۲ یکی از موارد مسمومیت جیوه در میان کارگران در کارخانه آفریقای جنوبی رخ داد که به مرگ سه کارگر انجامید و این مسئله سبب طرح ادعای حدود ۲۰ کارگر در دادگاه‌های بریتانیا شد که در نهایت موضوع در خارج از دادگاه به مصالحه حل و فصل شد.<sup>۲</sup>

به نظر می‌رسد شمار پرونده‌های مسئولیت مستقیم خارجی (FDL) به‌ویژه در ایالات متحده، در حال افزایش است. با توجه به صادر نشدن رأی قضایی در این زمینه، می‌توان چنین تصور کرد که مسئولیت شرکت مادر ناشی از فعالیت خسارت‌بار شرکت‌های وابسته، مورد تردید است. از دید

۱. Muchilinski, T. Peter. *Multinational Enterprises and the Law*. London. Blackwell Publishers Ltd, last Edition, ۲۰۰۸, p. ۱۹۱.

۲. Ibid. p ۲۰۰.

خواهان‌ها و وکلای آنها، این موضوع می‌تواند یک خطر تلقی شود. لذا این احتمال که یک شرکت مادر، ممکن است سرانجام توسط یک دادگاه حقوقی، مسئول فعالیت‌های شرکت‌های تابعه‌اش شناخته شود، بسیار دور از ذهن است به‌ویژه اینکه با در نظر گرفتن زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی موجود در این دعاوی، مورد تصمیم‌گیری قرار گرفته‌اند. خواهان‌های آینده، قطعاً باید برخی از تصمیمات قضایی دلسوزانه اخیر دادگاه‌های دولت مبدأ را بپذیرند. این تصمیمات دلسوزانه، به همراه مخاطرات تجاری و اعتباری و نیاز به دفاع برای سهل‌انگاری، در سطح وسیع به این معنا است که فشارهای قابل ملاحظه‌ای بر روی شرکت‌ها برای حل و فصل دعاوی مبتنی بر مسئولیت مدنی، در خارج از دادگاه وجود دارد.<sup>۱</sup>

بنابراین، موضوع طرح دعاوی در زمینه سلب مالکیت بیگانگان نزد محاکم ملی، همچنان مبهم است. برخی دادگاه‌ها رسیدگی قضایی به اعمال شرکت‌های خارجی در کشور خود را نادرست می‌دانند. برخی دادگاه‌ها نیز بر این باور هستند که آنها باید این‌گونه اعمال شرکت‌های خارجی را رسیدگی کنند، ولی در بیشتر موارد، به عدم وقوع هرگونه نقضی حکم می‌دهند یا دست کم به وقوع نقضی که خواهان را سزاوار دریافت خسارت نزد آن دادگاه‌ها کند، حکم نمی‌دهند. با این حال، تا پایان سال ۲۰۱۱ میلادی، موضع روشنی از سوی دیوان عالی ایالات متحده آمریکا درباره چگونگی تفسیر حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری نشده است.<sup>۲</sup>

### مبحث دوم: نظریه‌های حقوقی درباره مسئولیت شرکت مادر

در چه شرایطی یک شرکت مادر، برای خسارت و ضرری که از فعالیت‌های شرکت‌های فرعی وابسته به آن ایجاد می‌شود، مسئول است؟

بر اساس مبانی مسئولیت، یک شرکت مادر و شرکت‌های وابسته‌اش، شخصیت‌های حقوقی مستقل دارند؛ به این مفهوم که شرکت مادر، مسئول اقدامات صرفاً یک شرکت تابعه بر اساس سهم مالکانه‌اش نخواهد بود. اما این نظریه به‌عنوان نظریه شخصیت حقوقی مستقل شرکت، نمی‌تواند به‌طور مطلق صحیح باشد. در مقابل، نظریه‌های حقوقی وجود دارند که طرح آنها، در

۱. Sornarajah, M, The International Law on Foreign Investment, Cambridge University Press, New York, ۱۹۹۷. p. ۸۷.

۲. لوونفلد، آندریاس؛ حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، محمدجعفر قنبری چهرمی، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۰، (ص ۱۵۲).



آن پرونده‌ها بر اساس مسئولیت مدنی علیه یک شرکت مادر امکان‌پذیر است. این نظریه‌ها را می‌توان تحت عناوین مسئولیت اولیه (مسئولیت یک شخص برای نتایج اعمال و فعالیت خودش)، مسئولیت نیابتی (مسئولیت کارفرما ناشی از فعل غیر)، مسئولیت ثانویه (مسئولیت یک جزء برای مشارکتش یا نسبت به سهم آن در انجام یک عمل غیرقانونی که شخص دیگری مرتکب شده است) و همچنین مسئولیت سازمانی قرار داد<sup>۱</sup>.

### اول: مسئولیت اولیه

بر اساس قانون انگلیس در انتساب مسئولیت، شرکت مادر ممکن است هدف اولیه باشد، بر این مبنا که شرکت مادر وظیفه داشته است از کسانی که تحت تأثیر فعالیت شرکت وابسته خارجی آن قرار گرفتند، مراقبت کند و بر این اساس، وظیفه مراقبت، نقض و منجر به ضرر شده است. اما در مورد این نظریه، پرسش‌هایی مطرح است که باید به آن پاسخ داده شود. پرسش اول: با توجه به اینکه شرکت مادر و شرکت فرعی، شرکت‌های مستقلی هستند، آیا شرکت مادر وظیفه دارد روزانه بر شرکت فرعی نظارت و مسئولیت آنها را گوشزد کند؟ تا چه حد یک شرکت مادر، وظیفه مداوم نظارت را دارد؟ و آیا مواردی تعیین شده که در آن آسیب‌های وارده غفلت و اهمال شرکت فرعی تلقی شود و شرکت مادر مسئولیتی در این زمینه نداشته باشد؟

اثبات وظیفه مراقبت، اولین مؤلفه فرضیه مسئولیت محسوب می‌شود؛ در این مؤلفه، بر میزان نظارت شرکت مادر بر تمام فعالیت‌های شرکت‌های تابعه تأکید می‌شود. با این حال، هیچ‌یک از این موارد، به‌درستی در دادگاه، در قالب یک ادعای مسئولیت مستقیم خارجی، بررسی نشده است. این وظیفه، در جایی مطرح می‌شود که احتمال ضرر یا صدمه توسط شرکت مادر و شاکیانی که به اندازه کافی به شرکت مادر نزدیک هستند تا تحمیل مسئولیت را توجیه کنند، قابل پیش‌بینی باشد. همچنین این موضوع در جایی قابل طرح است که شرکت مادر، از فعالیت‌های شرکت فرعی و خطرهای زیست‌محیطی و بهداشتی که ممکن است ایجاد کند، آگاه باشد، بنابراین شرکت مادر باید فعالیت‌های شرکت وابسته را به اندازه کافی، کنترل کند. اگر ضرر، قابل

۱. پور هاشمی، سید عباس و ازغند، بهاره؛ حقوق بین‌الملل محیط زیست، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۹۲، ج اول، ص ۱۱۵.

پیش‌بینی باشد، ممکن است شرکت وابسته خارجی نقش بیشتری داشته باشد در حالی که در ایجاد شرایطی که منجر به ضرر شده، شرکت مادر در این زمینه نقش پررنگی نداشته باشد.<sup>۱</sup> در نمونه دیگر می‌توان به یک پرونده استرالیایی اشاره کرد که در آن شرکت مادر، ملزم شده بود بر عملکرد شرکت وابسته نظارت کند. در آن پرونده، به دلیل اینکه شرکت مادر به‌عنوان مدیر عامل شرکت وابسته، تعیین شده بود، با اقتدار کامل همه کارهای لازم را برای مدیریت مناسب و کنترل تجارت و اجرای تعهد شرکت وابسته انجام می‌داد. در چنین مواردی به‌طور معمول، این عقیده که شرکت مادر، دارای یک وظیفه کلی درخصوص مراقبت نسبت به کارمندان شرکت‌های وابسته خارجی است، مورد حمایت قرار نگرفت.<sup>۲</sup>

حال در نظر بگیرید یک شرکت مادر که بر اقدامات شرکت تابعه خود نظارت می‌کند، از طریق مدیرانش اطلاع یافته است اقدامات این شرکت، سلامت کارکنان را به مخاطره می‌اندازد در حالی که شرکت مادر تمام ضوابط و مقررات را در زمینه حفظ سلامت کارکنان یا افرادی که پیرامون کارخانه زندگی می‌کنند، به شرکت تابعه گوشزد کرده است؛ در اینجا این پرسش مطرح است که آیا در چنین شرایطی شرکت مادر مسئولیتی دارد؟

همچنین، ممکن است دعاوی علیه یک شرکت مادر، مبتنی بر نقش آن در اجرای طرحی آزمایشی و تولید موادی مثل مواد دارویی و سموم و دفع آفات باشد. این احتمال وجود دارد که یک تولیدکننده فناوری خطرناک، بتواند وظیفه مراقبتی از کارکنان و جوامعی را که ممکن است در معرض خطر آن فناوری قرار بگیرند، بر عهده گیرد. از این‌رو، در رابطه با مخاطرات محل کار، وظیفه مراقبتی ممکن است نه تنها به کارمندان شرکت‌های فرعی، بلکه به پیمانکاران، نمایندگی‌های فروش و همچنین صاحبان امتیاز، تعمیم یابد. در قضیه بویال، شاکیان بخشی از ادعای‌شان را علیه شرکت مادر، بر نقش شرکت کارباید در طراحی، ساخت و ساز کارخانه هندی و نظارت بر ایمنی متمرکز کردند. با وجود این، در استدلال‌های مزبور به‌طور مؤثر، تلاش برای رسیدگی به احراز مسئولیت شرکت مادر مورد توجه قرار نگرفت.<sup>۳</sup>

۱. رضانی قوام آبادی، محمدحسین؛ *تجارت بین‌الملل و محیط زیست*، تهران، انتشارات شهر دانش، ۱۳۸۹، ص ۴۳.

۲. Jenifer, OP. cit, P. ۲۰۵.

۳. Jedrej Frynas George, *Beyond Corporate Social Responsibility, Oil Multinationals and Social challenges*, Camberidge university press, ۲۰۰۹. P. ۴۲.

دومین عنصر و نکته مهم در مورد مسئولیت شرکت مادر یک شرکت چندملیتی، این است که اعمال شرکت مادر، به حد معیارهای قانونی نرسیده است. در این خصوص، معیارهای قانونی مطابق با معیار معقولیت تعیین می‌شود. در این زمینه، یک شرکت مادر، در وضعیتی که خطر یا صدمه ناشی از اقدامات شرکت فرعی ایجاد شده، چه احتیاط‌هایی را به کار خواهد گرفت؟ در پرونده لوب علیه کیپ، موضوعی که بر آن تأکید شد سهل‌انگاری شرکت در ارائه دستورالعمل و ارتقای آگاهی کارمندان آفریقای جنوبی بود که در معدن‌ها و کارخانه‌های تولیدی فعالیت می‌کردند. زیرا، شرکت مادر، آگاهی در مورد خطرات ناشی از صنعت خاص یا تکنولوژی ایجاد شده و اینکه چطور آنها را به حداقل برساند داشته است.<sup>۱</sup>

عنصر سوم در خصوص مسئولیت مدنی یک شرکت مادر، رابطه علیت است. شاکی مجبور است که سهل‌انگاری (غفلت) شرکت مادر را ثابت کند. لذا، مدافعان رابطه علیت در پرونده‌های مسئولیت مستقیم خارجی، معمولاً بر خودمختاری شرکت وابسته تأکید می‌کردند. در موضوع مسئولیت شرکت کارباید اظهار شده است که مدیریت کامل کارخانه بوپال به عهده نیروهای هندی بود که شرکت کارباید هند آنها را استخدام کرده بود. مدافعان اثبات رابطه علیت اظهار می‌کنند که تولید محصولات کشاورزی شرکت کارباید هند برای مدت حداقل ۱۵ سال محدود شده و آن کارخانه (بوپال) ارتباط محدودی با اداره کل شرکت کارباید (مادر) داشته و تقریباً هیچ ارتباطی با ایالات متحده (دولت مبدأ) نداشته است.<sup>۲</sup>

علیت در بسیاری از موارد، مبتنی بر همان حقایقی است که برای ایجاد وظیفه مراقبتی به کار گرفته می‌شود برای مثال میزان آگاهی شرکت مادر از خطرهای مربوط به فعالیت‌های شرکت فرعی و همچنین سطح کنترل واقعی اعمال شده مورد توجه قرار می‌گیرد. در عین حال اگر شرکت وابسته خارجی به‌طور قانونی، مستقل از شرکت مادر، تلقی شود، شرکت مادر، دیگر نمی‌تواند از قبول مسئولیت به دلیل خسارتی که قابل پیش‌بینی بوده، سر باز زند، مشروط بر اینکه سهل‌انگاری‌اش، نقشی در ایجاد خسارت داشته باشد. به عبارت دیگر، در جایی که ضرر ناشی از اقدامات اشخاص ثالث قابل پیش‌بینی باشد و عمل شرکت مادر، احتمال ایجاد آن ضرر

۱. I bid. P. ۳۰.

۲. Jedrej Frynas George, op. cit, p. ۲۸.

را افزایش داده باشد، این استدلال پذیرفتنی است که اقدامات شرکت وابسته خارجی نباید به قطع سلسله علیت در ورود خسارت منجر گردد.<sup>۱</sup>

در مجموع برای اثبات مسئولیت اولیه زیست‌محیطی شرکت مادر، به نظر می‌رسد لازم باشد که شاکیان حداقل اثبات کنند اولاً: شرکت مادر، از خطرهای زیست‌محیطی ناشی از اقدامات، فرایندها و فناوری ایجاد شده، آگاهی کاملی داشته است. ثانیاً: شرکت مادر با وجود فراهم بودن شرایط لازم، تلاش مقتضی،<sup>۲</sup> را نداشته است. و ثالثاً: شرکت مادر، ارتباط نزدیکی به شرکت وابسته خارجی دارد.

### دوم: مسئولیت نیابتی

آیا یک شرکت مادر را می‌توان به دلیل سهل‌انگاری یک شرکت وابسته خارجی، به این دلیل که شرکت وابسته، نماینده شرکت مادر بوده، به‌طور نیابتی مسئول شناخت؟

در رویه قضایی دادگاه‌های انگلیس و ایالات متحده آمریکا، در دعاوی متعددی از جمله دعاوی دوا علیه یونوکال<sup>۳</sup> و دعاوی بوتو علیه چورن<sup>۴</sup> در سال ۲۰۰۴ مدافعان مسئولیت نیابتی، دلایل و توجیهاتی را برای اثبات مسئولیت نیابتی شرکت مادر طرح کردند.

مسئولیت نیابتی برای شرکت‌هایی که در آنها نقش شرکت به‌عنوان یک کارفرما تلقی می‌شود، دلایل منطقی خوبی دارد زیرا، یک شرکت باید به‌طور نیابتی در قبال اعمال کارمندان مسئول باشد. در خصوص این مسئولیت، یک توجیه این است که وقتی یک کارفرما مسئولیت کنترل را به عهده دارد، و نظارت می‌کند که مستخدمین‌اش چطور دستورات وی را انجام می‌دهند، باید بار

۱. Sornorajah. M, «Power and Justice in International Law». Singapore Journal of International and Comparative Law, Vol ۴, No ۴, ۱۹۹۷. P. ۴۹.

۲. "Due Diligence" اصل تلاش حقیقی در خصوص محیط زیست و منابع و ثروت‌های طبیعی در دسته اول اصول اساسی مربوط به حفاظت از محیط زیست قرار گرفته است. این اصل، دارای یک مفهوم عام حقوق بین‌المللی است. تعهد به تلاش مقتضی، مستلزم آن است که دولت‌ها و شرکت‌های چندملیتی اقدامات مؤثر در زمینه قانون‌گذاری و اقدامات قضایی در جهت جلوگیری از ورود خسارت به منافع مورد حمایت دولت ثالث که به‌واسطه رفتار عمومی یا خصوصی حاصل می‌شود معمول دارند.

۳. Deo V. Unocal. ۱۴ September ۲۰۰۴, from [http:// www.earthrights/Unocal/ index /shtml](http://www.earthrights/Unocal/index/shtml), p. ۷. Although note that the issue of Unocal's victorious liability was not finally determined as the matter settled out of court.

۴. Bowoto V. cherron, bid., ۱۱/۰.

مسئولیت نتایج سهل‌انگاری آنها را به عهده بگیرد. دیگر اینکه کارفرما در یک سرمایه‌گذاری اقتصادی که توسط وی ایجاد شده، درگیر می‌شود و از این‌رو، یک رابطه سببیت بین کارفرما و هر ضرری که توسط کارمند در دوره خدمتش ایجاد شده، وجود دارد.

در توجیه دیگر، کارفرمایی که ثروتمندتر است، برای پرداخت خسارت زیان‌دیده مناسب‌تر است زیرا، کارفرما همواره در شرایط بهتری از کارمندش قرار دارد. بنابراین متغیر اقتصادی دیگر، آن است که کارفرما در شرایط بهتری جهت تأمین زیان خود از طریق بیمه یا قیمت تولیدش قرار دارد.<sup>۱</sup>

با این حال، نه این نمایندگی و نه نتایج آن، به پذیرش مسئولیت نیابتی در رویه دادگاه‌ها منجر نشد هرچند اظهارات قضایی قضات دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا بر مبنای قانون مسئولیت مدنی داخلی، رویکرد انعطاف‌پذیرتری را در خصوص مسئولیت نیابتی شرکت مادر، از رویه دادگاه‌های انگلیس داشته است.

### سوم: مسئولیت ثانویه

آیا یک شرکت مادر را می‌توان به دلیل سهل‌انگاری یک شرکت وابسته خارجی، با این دیدگاه که در ارتکاب یک عمل غیرقانونی، مشارکت و معاونت داشته، مسئول دانست؟

در خور ذکر است که تمایزاتی بین مسئولیت اولیه و ثانویه جهت عمل غیرقانونی (مسئولیت مدنی) وجود دارد: اولین آنها، مسئولیت اساسی شرکت مادر است و مسئولیت ثانویه نیازمند اثبات وظیفه مراقبت از طرف شرکت مادر نسبت به قربانی جرم یا اقدامات یا ترک فعل‌های شرکت مادر که سبب وقوع جرم شده، نمی‌باشد.

در مقابل، مسئولیت ثانویه مبتنی بر آگاهی شرکت مادر از همکاری با شرکت تابعه، در زمینه ارتکاب یک اقدام غیرقانونی است. به عبارت دیگر، همکاری یا مساعدت، یک معیار کلیدی برای تعیین مسئولیت ثانویه محسوب می‌شود و می‌توان میزان کنترلی را که شرکت مادر در زمان ارتکاب عمل غیرقانونی شرکت تابعه اعمال کرده است در نظر گرفت.

به هر حال، در این نوع مسئولیت، باید نقش شریک در ارتکاب عمل غیرقانونی پررنگ باشد. قصد یا آگاهی یک شرکت از اهداف قانونی معمولاً و از طریق رجوع به قصد یا اظهار آگاهی از

Transnational Corporations and Environmental Damages: is Tort law «۱. Anderson Michael, , washburn law journal, No ۳۱, ۲۰۰۲, p ۵۸. »the Answer

مدیرانش ایجاد می‌شود. در هر صورت، ضرورت دارد شاکی دو موضوع را احراز کند: اول، اینکه شرکت مادر از رفتار اشتباه شرکت وابسته آگاه بوده است و عمل غیر قانونی فقط بر مبنای همکاری شرکت مادر ملاک نخواهد بود. به عبارت دیگر، شرکت مادر باید در زمینه اقدامات اشتباه شرکت وابسته، نقش مستقیم داشته باشد. دوم، اینکه احراز شود که شرکت تابعه، به تحریک یا تشویق شرکت مادر، به ارتکاب عمل غیر قانونی پرداخته است. این حالت در خصوص مسائل زیست محیطی بسیار پیش می‌آید. به عنوان مثال، در جایی که شرکت وابسته، به منظور سوءاستفاده از معیارهای زیست محیطی یا امنیتی، به تحریک یا تشویق شرکت مادر مبادرت نماید و یا حتی ثابت شود که شرکت مادر، کنترل کافی بر این سوءاستفاده شرکت تابعه داشته است، کافی است تا شرکت مادر، شریک شرکت تابعه در ارتکاب به عمل غیر قانونی شناخته شود.<sup>۱</sup>

در خور ذکر است که در پرونده دوا علیه یونوکال که قبلاً هم اشاره شد، امکان برقراری مسئولیت شرکت مادر برای مشارکت و معاونت در سوءاستفاده‌های حقوق بشر خارجی، در رأی دادگاه تجدید نظر سال ۲۰۰۲ مورد توجه و بررسی قرار گرفت. همچنین در رأی صادره شده در خصوص دعوای بوت‌ا علیه خورن در سال ۲۰۰۴ شاکیان، محق به اقامه دعوی شناخته شده‌اند چون شرکت مادر در چورن در نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های تابعه نیجریه، مشارکت و معاونت کرده و مسئول شناخته شده بود.

#### چهارم: مسئولیت سازمانی

بعضی اوقات، دادگاه‌ها تمایل داشتند تا حجاب شخصیت حقوقی را برداشته (خرق حجاب) و جدایی قانونی بین شرکت مادر و شرکت وابسته را نادیده بگیرند.

بر اساس مسئولیت سازمانی، شرکت مادر و شرکت وابسته به عنوان یک سازمان (شرکت)، دو شرکت جداگانه تلقی نمی‌شود و هیچ مسئله‌ای در مورد شرکت وابسته خارجی در خصوص نقض رابطه علیت وجود ندارد. آنچه این مسئله در شرایط عملی ایجاد می‌کند، این است که بر اساس کنترل رابطه‌ای که بین شرکت مادر و شرکت وابسته وجود دارد، شرکت مادر مسئول فعالیت‌های شرکت وابسته خواهد بود. این حالت به‌ویژه زمانی است که شرکت مادر تمام سهام شرکت‌های

۱. داراب پور، مهرباب و سلطانی احمدآباد، سعید؛ «فلسفه حقوقی و ماهیت خسارت تنبیهی»، مجله حقوقی بین‌المللی، ۱۳۹۴، ش ۵۲، ص ۹۰ - ۶۱

وابسته را تصاحب و بر تمام فعالیت‌های آن نظارت کند. این شرکت‌های وابسته در برابر شرکت مادر، دست و پا بسته هستند و لازم است هر آنچه این شرکت می‌گوید انجام دهند لذا نباید با اعضای گروه به صورت جداگانه برخورد کرد. در این زمینه می‌توان به پرونده شرکت آموکو اشاره کرد که قاضی آن مگ کارد در دادگاه بخش ایالات متحده عنوان کرد: شرکت استاندارد به‌عنوان یک شرکت چندملیتی یکپارچه که به واسطه مجموعه‌ای از شرکت‌های وابسته، در: انتفاع، تولید، پالایش، حمل و نقل و فروش محصولات نفتی در سراسر جهان مشغول است، مسئول اقدامات زیان‌آور شرکت‌های وابسته خود است.<sup>۱</sup>

هرچند که نظریه سازمانی، مورد حمایت بیشتر قضات است، اما اغراق آمیز خواهد بود که اهمیت این تصمیمات قضات را به‌عنوان یک رویه عمومی تلقی کنیم. در عین حال، نظریه‌های سازمانی ممکن است کاربردهایی در دعاوی مسئولیت مستقیم خارجی در آینده داشته باشد.<sup>۲</sup>

### تطبیق نظریه‌ها

نظریه‌های مسئولیت مستقیم (اولیه)، مسئولیت ثانویه و مسئولیت نیابتی همگی غیر از نظریه سازمانی، دکترین شخصیت جداگانه شرکت را تأیید کرده‌اند. در واقع، این ایده که شرکت مادر و شرکت فرعی از یکدیگر مستقل هستند همان مبنای نظریه‌هایی است که مبتنی بر نمایندگی یا مسئولیت برای اقدامات شخص ثالث هستند. در عین حال، با ملاحظه اصل شخصیت جداگانه شرکت، دادگاه‌ها همواره، در به کار بردن نظریه‌های گوناگون در زمینه مسئولیت شرکت مادر، کمال دقت نظر را دارند. شاکیان برای موفق شدن باید بتوانند ثابت کنند که ارتباط بسیار محرز و شفاف بین فعالیت‌های شرکت مادر و سیاست‌ها و ناکامی‌های شرکت وابسته وجود دارد برخلاف عقیده عموم، دکترین شخصیت مستقل شرکت، به شرکت مادر در برابر نتایج فعالیت‌های شرکت‌های وابسته که بر آنها کنترل دارد، مصونیت عمومی نمی‌دهد.<sup>۳</sup>

۱. Jenifer, op. cit, P. ۲۱۵.

۲. بیگ زاده، ابراهیم؛ حقوق سازمان‌های بین‌المللی، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۹، ج اول، ص ۴۲۳.

۳. Zerk, Jenifer, Limitations and Opportunities in International Law, Cambridge University Press., ۲۰۰۶. ۲۰۱.

ممکن است تلاش یک شاکی خصوصی اثبات این مدعا باشد که شرکت مادر از ابتدا مسئول بوده است. به این ترتیب که شرکت مادر بر اساس اشتغالش در توسعه یا طراحی کالاها یا فرایندها یا بر اساس تعهد عمومی آن برای کنترل و حفاظت از دیگران در برابر فعالیت‌های شرکت‌های وابسته خود، مسئول است.

یک شاکی ممکن است این ادعا را مطرح کند که شرکت مادر، به‌طور نیابتی مسئول است بر این مبنا که شرکت وابسته آن، در واقع نماینده او است؛ البته شرایطی که در آن، دادگاه یک شرکت وابسته را نماینده شرکت مادر در نظر می‌گیرد، بسیار محدود است. همچنین یک شاکی ممکن است به دنبال اثبات این ادعا باشد که شرکت مادر، با توجه به نظریه‌های مسئولیت ثانویه، مسئول است. برای مثال، در اقدامی غیر قانونی به نحو عامدانه، مشارکت و معاونت داشته است. با وجود این، که پیشتر ذکر شد، اثبات اینکه شرکت مادر، سوءنیت لازم را داشته، در بسیاری از موارد دشوار است.<sup>۱</sup>

### پنجم: مسئولیت شرکت مادر در قالب سازمانی

هیچ‌یک از نظریه‌های قراردادی مبتنی بر مسئولیت مدنی که مورد بحث قرار گرفتند، (اولیه، نیابتی، ثانویه و سازمانی) با هیچ قالب سازمانی خاصی مرتبط نیستند. به عبارت دیگر، هیچ چیز مرتبطی در این نظریه‌ها وجود ندارد که الزاماً نتایج مختلفی را در پی داشته باشد. نکته حائز اهمیت، وجود یک رابطه کنترلی بین شرکت مادر و شرکت وابسته خارجی در هر یک از این موارد است که برای تحمیل مسئولیت بر شرکت مادر در این مورد خاص، کفایت می‌نماید. همان‌طور که ذکر شد، برای ایجاد مسئولیت اولیه شاکیان باید ثابت کنند که شرکت مادر از خطرات و تبعات فعالیت‌های شرکت‌های وابسته خارجی مطلع بوده و فعالیت‌های روزمره آن شرکت‌ها تحت نظر و کنترل شرکت مادر بوده است.<sup>۲</sup>

اگر چه ممکن است انکار قراردادی مسئولیت و جبران زیان‌های مالی وجود داشته باشد. این امر نباید مسئولیت در خصوص انجام یک عمل غیر قانونی نسبت به یک شخص ثالث را تحت تأثیر قرار دهد. در مقابل حتی اگر شرکت مادر، مقصر اولیه نبوده باشد، ممکن است بر اساس

۱. Sornarajah. OP. cit, P. ۲۱۵.

۲. Zerk. Jenifer. op. cit.p. ۲۱۰.



نظریه‌های مسئولیت ثانویه، مسئول شناخته شود مثل مشارکت و معاونت در اقدام غیر قانونی (به‌عنوان نمونه نقض حقوق بشر)؛ برای موفقیت، بر این مبنا علاوه بر اینکه لازم است آگاهی شرکت مادر را از تقصیر شرکت تابعه ثابت کرد، باید نقش خود آن شرکت را چه به‌صورت مستقیم در ارتکاب عمل معاونت و چه ترغیب به اقدام، ثابت کرد.<sup>۱</sup>

نظریه‌های مسئولیت نیابتی و سازمانی، هر دو، منعکس‌کننده این ایده هستند که شرکت مادر باید برای اعمال غیر قانونی شرکت تابعه‌اش مسئول و پاسخگو باشد. در این خصوص که چه میزان ارزش باید به اصل شخصیت مستقل شرکت داد، همان‌طور که پیشتر گفته شد، این حقیقت که خسارت دیدگان ممکن است تماس تنگاتنگ‌تری با شرکت وابسته خارجی داشته باشند (به‌عنوان کارکنان و یا ...) الزاماً از مسئولیت شرکت مادر، پیشگیری نمی‌کند.<sup>۲</sup>

امروزه دعاوی خصوصی برای صدمات شخصی یا خسارات زیست محیطی در برابر شرکت‌های چندملیتی، توجه رسانه‌ها را به خود جلب کرده است. در این شرایط این پرسش مطرح است که آیا این موضوع آثار بازدارنده‌ای خواهد داشت یا خیر؟ فعالان و مسئولان محیط زیست، دادخواهی در برابر شرکت‌های مادر را روشی سودمند برای اعمال فشار بر شرکت‌های چندملیتی می‌دانند تا استانداردهای جهانی زیست محیطی و اجتماعی‌شان را بهبود بخشند.<sup>۳</sup>

۱. Zeigerman, Ulrike, Responsible Business Conduct: From Good Intention to Sustainable Development, Better policies for Better Lives, OECD, ۲۰۱۴, p. ۹۰.

۲. Zerk, Jenifer. op. cit.p. ۲۳۲.

۳. I bid, Para ۱۰. ۲۱.

## نتیجه‌گیری

با وجود توجه عموم به مسائل محیط زیست و اهمیت جبران خسارات وارده بر آن، همچنان موانعی بر سر راه جبران کامل این زیان‌ها و خسارات وجود دارد. نظام مسئولیت مدنی شرکت‌های چندملیتی مادر و وابسته به آن، از منظر حقوق بین‌الملل، معاهدات و اسناد بین‌المللی، هنوز مشخص نشده است. لذا برای یافتن راه‌حل‌های جدید و مبانی مسئولیت مدنی این شرکت‌ها، ناگزیر به رویه قضایی روی می‌آوریم. در حالی که تاکنون قواعد مشخصی در این زمینه در حقوق بین‌الملل شکل نگرفته است، دعاوی خصوصی و رویه‌های ملی، منبع حیاتی بالقوه‌ای در زمینه نظارت و کنترل فعالیت‌های زیست‌محیطی شرکت‌های چندملیتی محسوب می‌شود. البته در چنین وضعیتی رویه‌های ملی، نیز در انتساب مسئولیت شرکت فرعی به شرکت مادر، نقشی نداشته‌اند. اما ممکن است امروزه، قضات اولویت‌های جدیدی را برای انتساب مسئولیت زیست‌محیطی به شرکت مادر مد نظر قرار دهند که در قالب نظریه‌های متعدد مربوط به مسئولیت مدنی به‌طور بالقوه مطرح شد. در عین حال، در اعمال نظریه‌های طرح شده باید در نظر گرفت که اصل شخصیت مستقل شرکت، ریشه عمیقی در قوانین شرکت‌ها دارد. اگر چه این نظریه‌ها در مورد مبانی مسئولیت مدنی از جمله نظریه مسئولیت اولیه، مسئولیت ثانویه، مسئولیت نیابتی این اصل را چندان به چالش نمی‌کشد ولی دادگاه‌ها به کاربرد تلفیقی نظریه‌ها و اصل مزبور توجه نشان داده‌اند. لذا آنچه بیشتر در رویه قضایی کشورهای در حال توسعه مشاهده می‌شود، از یک‌سو، طرح دعاوی خصوصی علیه شرکت‌ها به دلیل نقض حقوق محیط زیست است که خود، واجد ضمانت اجرایی در رعایت حقوق محیط زیست است و از طرف دیگر از آنجا که شرکت فرعی دارایی و توان جبران خسارت را ندارد، شرکت مادر را نیز متضامناً مسئول شناخته و قضات در انتساب مسئولیت شرکت مادر، کمابیش به نظریه‌های طرح شده در این زمینه توجه دارند ولیکن این موارد هنوز قاعده‌مند نشده است و خلأ قانون‌گذاری بین‌المللی و داخلی در این زمینه وجود دارد.

## فهرست منابع

## الف) فارسی

## کتاب:

۱. آرش‌پور، علیرضا؛ **مسئولیت بین‌المللی نقض تعهدات زیست محیطی**، تهران، انتشارات جاودانه، چ اول، ۱۳۹۲.
۲. بیگزاده، ابراهیم؛ **حقوق سازمان‌های بین‌المللی**، تهران، انتشارات مجد، چ اول، ۱۳۸۹.
۳. پور هاشمی، سید عباس و ازغند، بهاره؛ **حقوق بین‌الملل محیط زیست**، تهران، نشر دادگستر، چ اول، ۱۳۹۲.
۴. رضانی قوام آبادی، محمد حسین؛ **تجارت بین‌الملل و محیط زیست**، تهران، انتشارات شهر دانش، چ اول، ۱۳۸۹.
۵. ضیائی بیگدلی، محمدرضا؛ **حقوق بین‌الملل عمومی**، تهران، نشر گنج دانش، چ چهل و یکم، ۱۳۹۰.
۶. عسگری، پوریا؛ **حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در رویه داوری بین‌المللی**، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چ اول، ۱۳۹۱.
۷. لوونفلد، آندریاس؛ **حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری**، ترجمه: محمد جعفر قنبری جهرمی، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۰.

## مقالات:

۸. داراب پور، مهرباب و سلطانی احمدآباد، سعید؛ «**فلسفه حقوقی و ماهیت خسارت تنبیهی**»، مجله حقوقی بین‌المللی، تهران، ش ۵۲، ۱۳۹۴، صص ۹۰ - ۶۱.
۹. رضانی قوام آبادی، محمد حسین؛ «**نگاهی اجمالی به تعامل تجارت و محیط زیست در پرتو موافقت‌نامه‌های تجاری**»، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۰، ش ۵۴، صص ۷۲ - ۳۵.
۱۰. شهبازی، آرامش؛ «**خسارات وارد بر محیط زیست از منظر حقوق مسئولیت بین‌المللی: چالش‌های موجود**»، مجله جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن

بیست‌ویکم، تهران، انتشارات مرکز امور حقوقی بین‌المللی نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۸۹،  
ش ۵۰، صص ۴۵ - ۲۲.

### ب) لاتین

#### Book:

۱۱. Jedrej Frynas George, Beyond corporate Social Responsibility, Oil Multinationals and Social challenges, Cambridge university press, ۲۰۰۹.
۱۲. Muchilinski, T. Peter. Multinational Enterprises and the Law. London. Blackwell Publishers Ltd, last Edition, ۲۰۰۸, p ۱۹۱.
۱۳. Sornarajah, M. The International Law on Foreign Investment, Cambridge University press, New York, ۱۹۹۴, p ۲۴۵.
۱۴. Sornorajah. M, «Power and Justice in International Law». Singapore Journal of International and Comparative Law, Vol ۴, No ۴, ۱۹۹۷. P. ۴۹.
۱۵. Zeigerman, Ulrike, Responsible Business Conduct: From Good Intention to Sustainable Development, Beter policies for Better Lives, OECD, ۲۰۱۴, p. ۹۰.
۱۶. Zerk, Jenifer, Limitations and Opportunities in International Law, Cambridge University Press,, ۲۰۰۶. ۲۰۱.

#### Article:

۱۷. Anderson Michael, «Transnational Corportions and Environmental Damages: is Tort law the Answer», washburn law journal, No ۳۱, ۲۰۰۲, p. ۵۸.

#### Cases:

۱۸. Lubbe V. Cape PLC/www.swarb.com.co.uk/lubbe and other. V cape PLC/۲۰۱۶.
۱۹. Union Carbide Corp. V Union of India (Bhopal) Available in: UNEP/ UNDP/ Dutch Government joint Project on Environmental law in Africa, compendium of Judicial Decisions on Matters related to Environment, National Decisions, Volume I, P. ۲۲۷.
۲۰. Deo V. Unocal. ۱۴ September ۲۰۰۴. From [http:// www. Earth rights/ Unocal / index / Shtml](http://www.Earthrights/Unocal/index/Shtml). P. ۷.

۲۱. Bowoto V Cherron, ۱۴ September ۲۰۰۴. From [http:// www. Earth rights/Unocal / index / Shtml](http://www.Earthrights/Unocal/index/Shtml). P. ۷.